



۱- عین الصّحیح:

- ① مَنْ يَجْتَهِدْ فِي دَرَسِهِ دَائِمًا يَنْجَحْ فِي كُلِّ امْتِحَانٍ! کسی که همیشه در درس‌هایش تلاش می‌کند، در هر امتحانی قبول می‌شود!
- ② مَنْ يَكْفُرْ عُيُوبَكَ وَيُسَجِّعْكَ عَلَى السِّيِّئَاتِ، هُوَ عَدُوٌّكَ! هر کس عیب‌های تو را بیوشاند و تو را به بدی‌ها تشویق کند، پس او دشمن توست!
- ③ مَا يَجْمَعُ الْإِنْسَانَ فِي الدُّنْيَا يَجِدُ ثَمَرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ! آنچه را انسان در دنیا جمع می‌کند، ثمره آن را در آخرت می‌یابد!
- ④ إِنْ لَا تَتَعَلَّمِ دُرُوسَكَ الْآنَ، فَمَاذَا سَتَفْعَلِينَ عَدَا! اگر اکنون درس‌هایت را فرا نگیری، فردا چه خواهی کرد!

۲- عین اسم المکان لیس مجروراً بحرف الجرّ:

- ① الشَّارِعَ كَانَتْ مُزْدَحِمًا بِالسِّيَّارَاتِ الْمُتَابِعَةِ عِنْدَ الصَّبَاحِ! کان آخی الأكبر يشتغل في أحد المصانع لمدة تسعة أعوام!
- ② تَنَاوَلْنَا فِطْرُنَا فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ قُبَيْلِ الظَّهْرِ! كثير من الزوّار يذهبون إلى موقف النقل الجماعي!

۳- عین ما لیس فيه اسم فاعل أو اسم مفعول:

- ① قَرَأْتُ كَثِيرًا مِنْ كُتُبِ مَوْلَانِهَا لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى تَحْرِيكِ يَدَيْهَا! حارب الكسالة و تخلّص منها لأنها تمنعك من التقدّم!
- ② هُوَ لَا أَسَاتِيذَ يُحَاوِلُونَ فِي سَبِيلِ تَعْلِيمِ الطَّلَابِ كَثِيرًا! يسكنون في جنّات عدنٍ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ!

۴- عین اسماً معرفةً يقبلُ التَّنوينَ:

- ① «أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...!» قَالَ عَلِيُّ لِصَدِيقِهِ: تَعَالَى نَذَهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ!
- ② سُئِلَ النَّبِيُّ (ص) أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الزُّرْعُ! شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَالِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُرُزِ الْمَحِيطِ الْهَادِي!

۵- عین الموصوف نكرةً:

- ① أَفْتَشُ فِي الْمَكْتَبَةِ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ! حَضَرَ الطَّلَابُ لِلْمُتَحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ!
- ② عَصَفَتِ الرِّيَّاحُ بِشِدَّةٍ وَ خَرَبَتْ بَيْوتَ الْفَرِيْدَةِ! ذَهَبَ التَّلْمِيذُ الذَّكِيُّ إِلَى مَكْتَبَةٍ وَ بَحَثَ عَنْ أُجُوبَةِ سَوَالَاتِهِ!

۶- عین ما، فيه اسم التفضيل:

- ① مِنْ أَدْنَاهُ إِلَى أَقْصَاهُ! أَرِيدُ لِبَاسًا أَخْضَرَ لِأَخِي الصَّغِيرِ! أَنَا أَحَبُّ الْإِهْتِمَامِ بِالْخَيْرَاتِ!
- ② عَيْنَ جَوَابِ الشَّرْطِ جَمَلَةً إِسْمِيَّةً! إِنَّ أَهْمِيَّةَ الْعِبَادَةِ فِي أَجْرِهَا!

۷- عین جواب الشرط جملةً اسميةً:

- ① مَنْ حَاوَلَ فِي أَعْمَالِهِ حَصَلَ عَلَيْهَا! «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» أَرِيدُ لِبَاسًا أَخْضَرَ لِأَخِي الصَّغِيرِ!
- ② مَنْ حَاوَلَ فِي أَعْمَالِهِ حَصَلَ عَلَيْهَا! مَنْ يَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا يَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ!

۸- عین عبارة فيها تضادّ:

- ① يَحِبُّ الْآبَاءُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ. يَقَدِّمُ لِقْمَانِ الْحَكِيمِ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ وَ هَذَا نَمُودَجُ تَرْبِيَتِي لَنَا.
- ③ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ. «رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»

۹- عین عبارة ما جاء فيها اسم المفعول و اسم المکان معاً:

- ① يُسْتَعْمَدُ شَجَرَةُ النَّظْفِ فِي الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ الْمَحَاصِلِ! تُطْبَعُ فِي الْمَطْبَعِ كُتُبٌ كَثِيرَةٌ بِمَضَامِينٍ مُتَنَوِّعَةٍ!
- ③ فِي مَدِينَتِنَا مَجْلِسٌ لِتَفْسِيرِ الْقُرْآنِ يَحْضُرُ فِيهِ الْمُتَعَلِّمُونَ! أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ (ع) فِي الشَّهْرِ الْمُحْرَمِ!

۱۰- عین الأبعد من المفهوم: «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!»

- ① اِنْدَاذَهُ نَكْهَ دَارِ كِه اِنْدَاذَهُ نَكُوسْتِ / هَم لَائِقِ دَشْمَنِ اسْتِ وَ هَم لَائِقِ دُوسْتِ نَه بَه اِنْدَاذَه‌ای کن بر انداز خویش / که باشد میانه نه اندک نه بیش
- ② نَه بَه نَزْدِيكَ آی وَ نَه مِي‌بَاشِ دُورِ / دَر وَسَطِ رُو تَا بُوَدِ خَيْرِ الْاُمُورِ اَز هَر كِرَانَه تِير دَعَا كَرْدَه‌ام رَوَانِ / بَاشَد كَزِ آن مِيَانَه يَكِي كَارْگَرِ شُود

۱۱- عین التّرجمة الصّحيحة للعبارات التّالية:

- ① «وَأَقْوَقَ مَعْلَمِي عَلَى طَلْبِهِ»: «مَعْلَمِي بَا خَوَاسْتَهْ أَوْ مَوَافَقْتِ كَرْد!» «كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مَعْلَمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ»: «مَعْلَمُ زَيْسْتِ شَنْسَاسِي اَز دَانَشْ-اُمُوزِ سَوَالِ مِي‌كَرْد!»
- ② «مِهْرَانِ كَانِ كَفَّرَ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضِعِ»: «مِهْرَانِ دَرِبَارَهْ اَيْنِ مَوْضِعِ فِكْرِ مِي‌كَرْد!» «كَانَ الطَّالِبُونَ يَسْتَمِرُّونَ عَلَى سُلُوكِهِمْ»: «دَانَشْ-اُمُوزَانِ بَه رِفْتَارِ خَوِيْشِ اِدَامَهْ مِي‌دَانَد!»

۱۲ - آیا کلمه لا تناسب توضیحات؟

- ۱) لوح فی الصفّ یکتب علیه المعلم و طلابه؛ السبورة
 ۲) محاوله قبیحه لكشف أسرار الناس؛ الفضح
 ۳) علم مطالعة خواص و تركيبات العناصر؛ الكيمياء
 ۴) مكان یشتري الناس منه أشياء مختلفة أو مكان للتجارة؛ المتجر

۱۳ - عین الأصح و الأدقّ فی الجواب للترجمة من أو إلى العربية:

«المؤمن یجادل الناس بأسلوب أحسن لأنه أعلم بسبیل التعايش السلمی!»:

- ۱) انسان مؤمن با مردم ستیز می‌کند به نیکوترین روش، زیرا او راهای همزیستی مسالمت‌آمیز را می‌داند!
 ۲) انسان مؤمن با روشی نیکوتر با مردم ستیز می‌کند، زیرا او به راهای همزیستی مسالمت‌آمیز آگاه‌تر است!
 ۳) روش مجادله انسان مؤمن با مردم نیکوتر است؛ زیرا او مسالمت‌آمیز از راهای همزیستی خیر می‌دهد!
 ۴) مجادله انسان مؤمن با مردم به روشی نیکوتر است؛ چون که او به راهای مسالمت‌آمیز همزیستی آگاه می‌باشد!

۱۴ - عین عبارة كل أسماءها معرفة:

- ۱) ثوری یا نفس علی الظالمین حتی یأتیک النصر المبین من الله!
 ۲) من الأصدقاء من یصبح كالأخ السفیق، یحرص علی المودة و المحبة!
 ۳) «أرسلنا إلى فرعون رسولا فقصی فرعون الرسول»
 ۴) أعرفین السماوات و الأرض و أنّهما كانتا ملتصقتین ثم فصل الله بینهما!

۱۵ - عین الجملة الشرطية:

- ۱) من شاعب فی الشارع و ضرّ الماشین!
 ۲) من ضحك علينا لیؤذینا فإنه قلیل الثقافة!
 ۳) أحب من یلازم الجهد فإنه ناجح فی حیاته دائما!
 ۴) من یجتهدون فی حیاتهم فإنهم واصلون إلى غایاتهم!

۱۶ - فی أيّ العبارة ما جاء اسم المكان؟

- ۱) کتب المعلم الدرس الجدید علی السبورة!
 ۲) کنت فی غرفتی و کان أُمی فی المطبخ!
 ۳) اجتمع الطلاب فی المدرسة لتبجیل معلمهم!
 ۴) جاء الضیوف إلى منزلنا من مکان بعيد!

۱۷ - عین الأصح و الأدقّ فی الجواب للترجمة:

«صح أحد الحكماء ولده قائلاً: أفقر الناس من یستسلم للیأس!»:

- ۱) یکی از حکیمان به فرزند خویش گفت: مردم فقیر کسانی‌اند که در برابر ناامیدی تسلیم می‌شوند!
 ۲) از حکیمان کسی بود که فرزندش را چنین نصیحت کرد: فقیرترین مردم همان ناامیدترین آنان است!
 ۳) یکی از حکیمان فرزندش را نصیحت کرد؛ در حالی که می‌گفت: فقیرترین مردم کسی است که تسلیم ناامیدی شود!
 ۴) یکی از حکیمان فرزند خویش را موعظه می‌کرد؛ در حالی که گفت: نیازمندترین مردم کسی است که یأس تسلیمش کند!

۱۸ - عین ما لیس فیهِ اسم المكان:

- ۱) لیس فی هذا المجلس أحق منه!
 ۲) اشتريت من السوق قميصاً أحمر!
 ۳) كنت أنتظر صديقي فی المدرسة!
 ۴) شباب هذه القرية یعملون فی المصانع!

۱۹ - عین ما لیس فیهِ اسم المبالغة:

- ۱) رأینا فی المزرعة فلاحاً یحصد المحاصيل. ۲) لی نظارة جميلة أحبها.
 ۳) كان المؤمن صباراً فی العمل.
 ۴) العمال یعملون كثيراً فی البلاد.

۲۰ - «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عین الصحیح:

- ۱) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!
 ۲) الأعلام الناس من قد یجمع علی علمه علم الناس!
 ۳) الأعلام من الناس الذی یجمع علم الناس إلى علمه!
 ۴) أعلم من الناس هو الذی قد جمع إلى علمه علم الناس!

۲۱ - عین الأصح و الأدقّ فی الجواب للترجمة من أو إلى العربية:

«پشیمانی برای کسی است که دوست دارد که با انسان بسیار دروغگو همنشین کند.»:

- ۱) التدامة لمن یحب أن یجالس الكذاب.
 ۲) التادم الذی یحب مجالسة مع الكاذب.
 ۳) التدامة لمن یحب أن لا یجالس الكذاب.
 ۴) یندم من یحب أن یجالس الكاذب.

۲۲ - ماهو الخطأ فی المحل الإعرابی للكلمات المعینة؟

- ۱) اللهم كما حسنت خلقی، فحسن خلقی. (مفعول - مفعول)
 ۲) «فأنزل الله سکنیة علی رسوله و علی المؤمنین» (فاعل - مجرور بحرف الجر)
 ۳) أحبّ عباده الله إلى الله أنفهم لعباده. (مبتداً - مضاف إليه)
 ۴) علامة دهنخدا مؤلف أكبر معجم فارسی. (خبر - مضاف إليه)

۲۳ - عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات فی العبارات التالية:

- ① المؤمن قليل الكلام كثير العمل!
 ② ألقى أستاذ الجامعة محاضرة قيمة حول شيمل!
 ③ تُسمى مظاهر التقدم في ميادين العلم حضارة!
 ④ نحن لم نُسافر إلى الأهواز في السنة الماضية!

۲۴ - عین المتضاد لكلمة «ضَلَّ»:

- ① نهى الله الناس عن السخرية من الآخرين! ② الذي لا يجتنب الخيانة من شر الناس!
 ③ خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم! ④ من اهتدى إلى الحق فإنما يهتدى لنفسه!

۲۵ - عین ما ليس فی عبارة «كانت مكتبة «جندی سابور» فی خوزستان أكبر مكتبة فی العالم القديم!»:

- ① اسم المكان ② اسم الفاعل ③ اسم التفضيل ④ التعت (الصفة)



limoonad
Education For All

پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مَنْ» در اینجا «ادات شرط» است و «يَجْتَهِدُ» فعل شرط است، لذا باید به صورت «مضارع التزامی» ترجمه شود. ترجمه صحیح: «هرکس در درس‌هایش تلاش کند...»

گزینه ۲: «مَنْ» در اینجا چون آخر فعل‌های «يُكْفِّرُ» و «يُسَجِّعُ» ضمه دارد، ادات شرط نیست، بلکه موصول است، لذا نباید به صورت مضارع التزامی ترجمه شوند. ترجمه صحیح: «کسی که عیب‌های تو را می‌پوشاند و تو را به بدی‌ها تشویق می‌کند، او دشمن توست.» (اگر «مَنْ» در اینجا شرط بود، بر سر جمله «هو عدوك» حرف «فَ» وارد می‌شد.)

گزینه ۳: «ما» در اینجا «ادات شرط» و «يَجْمَعُ» فعل شرط است. ترجمه صحیح: «آنچه را انسان در دنیا جمع کند...»

۲ - گزینه ۲ صورت سؤال، اسم مکانی را می‌خواهد که مجرور به حرف جر نباشد؛ در گزینه ۲، «أحد» مجرور به حرف جر است و «المصانع» اسم مکان و مضاف‌الیه.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إ» اصلاً اسم مکان ندارد.

گزینه ۳: «مَطْعَم» اسم مکان و مجرور به حرف جر است.

گزینه ۴: «مَوْقِف» اسم مکان و مجرور به حرف جر است.

۳ - گزینه ۲ «حارِب» فعل امر مزید باب مفاعلة از فعل «يُحَارِبُ» به (معنای مبارزه کن) می‌باشد. باید توجه داشته باشیم که اسم فاعل با فعل امر اشتباه نشود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مؤلفوها» در اصل (مؤلفون) بوده که اسم فاعل است و چون مضاف واقع شده، نون آن حذف شده است (نکته: اسم مثنی و جمع مذکر سالم هرگاه مضاف واقع شوند، نون آن‌ها حذف می‌شود).

گزینه ۳: «الطَّالِب» مفردش (طالب) بر وزن فاعل اسم فاعل است.

گزینه ۴: «مفتحة» به معنای «گشوده شده» اسم مفعول است.

۴ - گزینه ۲ «علی» اسم علم است که با تنوین آمده است و معرفه است.

اسم‌های خاص (علم) اگر با تنوین بیایند، همچنان معرفه محسوب می‌شوند.

۵ - گزینه ۱ «يُسَاعِدُنِي» جمله فعلیه است و اسم نكرة «مُعْجَم» را که موصوفش است، توصیف می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۲: در این گزینه، موصوف (الوقت) معرفه است.

گزینه ۳: در این گزینه، موصوف و صفت به کار نرفته است.

گزینه ۴: در این گزینه، موصوف (التلميذ) معرفه است.

۶ - گزینه ۱ تشریح گزینه‌ها:

گزینه ۱: «أدنی» و «أقصى» بر وزن أفعال اسم تفضیل هستند.

گزینه ۲: «أجَب» فعل است به معنی دوست دارم.

گزینه ۳: «أخضر» بر وزن أفعال است ولی رنگ است؛ پس اسم تفضیل نیست.

گزینه ۴: «أهمیة» اسم تفضیل نیست.

۷ - گزینه ۳ در این گزینه، «فهو حسبه» جمله اسمیه و جواب شرط است.

در سایر گزینه‌ها، جواب شرط‌ها جمله فعلیه هستند که به ترتیب عبارت‌اند از: «حَصَلَ، قَلَّ و يَحْضُدُ»

۸ - گزینه ۳ بین دو اسم «المتواضع» و «المتكبر» رابطه تضاد وجود دارد.

در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ رابطه تضاد وجود ندارد.

۹ - گزینه ۳ سؤال از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن «اسم مفعول» و «اسم مکان» با هم نیامده باشد. در گزینه ۳، «مجلس» اسم مکان است و «المُتَعَلِّمُون» اسم فاعل است. (در این گزینه اسم مفعول نداریم).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مزارع» مفرد مزرعة، اسم مکان و «محاصيل» مفرد محصول، اسم مفعول است.

گزینه ۲: «مطایع» مطیعة، اسم مکان و «مضامین» مضمون، اسم مفعول است.

گزینه ۴: «مَرَقَد» اسم مکان و «المُحَرَّم» اسم مفعول است.

۱۰ - گزینه ۴ حدیث صورت سؤال و بیت‌هایی که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ آمده‌اند، مفهوم میانه‌روی را می‌رسانند، اما گزینه ۴، امید داشتن به برآورده شدن دعا را مدنظر دارد.

۱۱ - گزینه ۴ تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «معلمی» به معنای معلم من می‌باشد.

گزینه ۲: «الطالب» فاعل و «معلم» مفعول است که باید به صورت «دانش آموز از معلم زیست‌شناسی سؤال می‌کرد» ترجمه شود!

گزینه ۳: ترکیب «کان» با فعل ماضی «فَكَرَّ» باید به صورت ماضی بعید ترجمه شود: فکر کرده بود!

۱۲ - گزینه ۲ عبارت به کار رفته در گزینه ۲، «تَعْرِيفُ كَلِمَةِ التَّجَسُّسِ: جاسوسی کردن» است، نه «القَضْح: رسواکردن».

در سایر گزینه‌ها عبارات در تعریف کلمات «تخته‌سیاه»، «شیمی» و «مغازه» درست هستند.



- ۱۳ - گزینه ۲ «المؤمن»: انسان مؤمن / «يُجادِلُ النَّاسَ»: ستیز می‌کند با مردم، مجادله می‌کند با مردم (رد ۳ و ۴) / «بأسلوبٍ أحسنٍ»: به (با) روشی نیکوتر (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أعلم»: آگاه‌تر (رد سایر گزینه‌ها) / «التَّعَايُشِ السَّلْمِيِّ»: همزیستی مسالمت‌آمیز (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- ۱۴ - گزینه ۲ در این عبارت تمام اسامی معرفه هستند. در سایر گزینه‌ها: «نفس»، رسولاً، مُلتصِقَيْنِ، نکره هستند.
- ۱۵ - گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: «چه کسی در خیابان شلوغ کرد و به افراد پیاده ضرر رساند؟ (جمله پرسشی می‌باشد)
گزینه ۲: هر کس به ما بخندد تا ما را اذیت کند، پس او کم‌فرهنگ (بی‌فرهنگ) است!
گزینه ۳: کسی که در زندگی‌اش همواره تلاش می‌کند را دوست دارم، پس او همواره در زندگی‌اش موفق است.
گزینه ۴: کسانی که در زندگی‌شان تلاش می‌کنند، به اهدافشان می‌رسند. (فعل‌ها مجزوم نشده‌اند.)
- ۱۶ - گزینه ۱ در گزینه ۱، اسم مکان به کار نرفته است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۲: «المَطْبَخِ»: آشپزخانه، اسم مکان است.
گزینه ۳: «المَدْرَسَةُ»: اسم مکان است.
گزینه ۴: «مَنْزِلِ»: خانه، اسم مکان است.
- ۱۷ - گزینه ۳ «نصح»: نصیحت کرد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أحد الحكماء»: یکی از حکیمان (رد گزینه ۲) / «قائلًا»: در حالی که می‌گفت (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أفقر النَّاسِ»: فقیرترین مردم، نیازمندترین مردم (رد گزینه ۱) / «من»: کسی است که / «يستسلم»: تسلیم شود (گزینه‌ها ۲ و ۴) / «اليأس»: ناامیدی
- ۱۸ - گزینه ۲ در گزینه ۲، اسم مکان به کار نرفته است.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: «المَجْلِسِ»: اسم مکان است.
گزینه ۳: «المَدْرَسَةُ»: اسم مکان است.
گزینه ۴: «المَصْنَعِ» (جمع «المَصْنَعِ»: کارخانه) اسم مکان است.
- ۱۹ - گزینه ۴ «العَمَالِ»: مفردش «عَمِلَ» و اسم فاعل است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: «فَلَاحًا»: بر وزن «فَعَال»، (کشاورز) اسم مبالغه‌ای است که دلالت بر شغل و حرفه دارد.
گزینه ۲: «نظارة»: (عینک) اسم مبالغه‌ای است که دلالت بر وسیله و ابزار دارد و بر وزن «فَعَالَة» است.
گزینه ۳: «صَبَّارًا»: (بسیار شکیبا) اسم مبالغه‌ای است که دلالت بر کثرت صفت دارد و بر وزن «فَعَال» است.
- ۲۰ - گزینه ۱ رد سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: «الأعلم النَّاسِ» خطا است و مضاف (ال) نمی‌گیرد.
گزینه‌های ۳، و ۴: «اعلم من النَّاسِ / الا علم من النَّاسِ»
- ۲۱ - گزینه ۱ پشیمانی: «النَّدَامَةُ»: برای کسی: «لَمَنْ» / دوست دارد: «يُحِبُّ» / انسان بسیار دروغگو: «الكذَّابُ» / همنشین کنی: «أَنْ يُجَالِسَ»
- ۲۲ - گزینه ۴ «فارسی»، صفت برای «مُعْجَم» است.
- ۲۳ - گزینه ۲ در گزینه ۲: «التَّقَدُّمِ»: صحیح است. زیرا مضاف‌الیه می‌باشد. در گزینه ۲: «تَسَمَّى خَطَايَا».
- ۲۴ - گزینه ۴ «خَلَّ»: گمراه شد و «اهْتَدَى»: هدایت یافت، با هم متضاد هستند. (توجه داشته باشید که «أَهْدَى» در گزینه ۳ فعل ماضی باب افعال و به معنی «هدیه کرد، اهدا کرد» می‌باشد.)
- ۲۵ - گزینه ۲ در عبارت داده شده «اسم فاعل» وجود ندارد. توجه داشته باشید که «العالم»: دنیا، جهان، اسم فاعل نیست و با «العالم»: دانا، دانشمند، که اسم فاعل است، متفاوت است. «مکتبه»: اسم مکان «أكبر»: اسم تفضیل، «القديم»: نعت (صفت)